Journal of Quranic Studies Quarterly | **Volume 14, Issue 53**
Islamic Azad University in Jiroft | **June 2023**
https://qsf.jiroft.iau.ir/ | **pp. 68-82**

10.30495/QSF.2023.1978752.2982

Research Article

Examining the Aesthetics of Al-Muzzammil and Al-Muddaththir Surahs on the Based of Formalist Critique

Kaveh Rahimi[1*], Hossein Abavisani[2]

Abstract

Formalist criticism as the most prominent critical areas of the 20th century is one of new methods of criticism the main focus of which is the appearance of literary texts. This article is based on the school of formalism after examining the amount of literature the surahs are Al-Muzzammil and Al-Muddaththir And from the point of view of the principles of that criticism it seeks to diccover the beauty of the mentioned surahs and he is trying to provide a clearer view of the apparent wonders work and their effects in conveying meaning to the audienc. This research has studied the form and content of Suras Muzzammil and Muddaththir descriptively- analytically based on the principles and foundations of the school of formalism And with the aim of discovering the formal components and explaining the degree of the verses and its role in conveying the content and influencing the audience it was written in two surahs. The results show that The obvious formalistic features in the two surahs ofAdding rules, semantic straw rule,spiritual innovation.

Keywords: Literary Criticism, musical, Aesthetics, Formalism

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

How to.Cite:.
Rahimi K, Abavisani H., Examining the Aesthetics of Al-Muzzammil and Al- Muddaththir Surahs on the Based of Formalist Critique, Journal of Quranic Studies Quarterly, 2023;14(53):68-82.

1. PhD student, Arabic language and literature, Kharazmi University, Tehran, Iran
2. Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Kharazmi University, Tehran, Iran

Correspondence Author: Kaveh Rahimi **Email:** rahimikaveh97@yahoo.com

Receive Date: 01.02.2023 **Accept Date:** 01.05.2023

فصلنامه علمی مطالعات قرآنی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت
https://qsf.jiroft.iau.ir/

دوره ١٤، شماره ٥٣
بهار ١٤٠٢
صص: ٨٢-٦٨

10.30495/QSF.2023.1978752.2982

مقاله پژوهشی

بررسی زیبایی شناسی سوره‌های «مزّمّل» و «مدثّر» در پرتو نقد فرمالیستی

کاوه رحیمی[1*]، حسین ابویسانی[2]

چکیده

نقد فرمالیستی به عنوان برجسته‌ترین حوزه‌های نقدی قرن بیستم یکی از روش‌های جدید نقدی می‌باشد که محور اصلی آن در بررسی متون ادبی، شکل ظاهری آن است. این نوشتار براساس مکتب فرمالیسم در پی بررسی میزان ادبیّت سوره‌های مزّمّل و مدثّر است و از نظرگاه اصول آن نقد، در پی کشف زیبایی‌های سوره‌های یاد شده است و سعی دارد دیدی واضحتر نسبت به شگفتی‌های ظاهری اثر و تأثیر آن‌ها در انتقال معنا به مخاطب ارایه دهد. اهمیّت جُستار حاضر تلاش برای به اثبات رساندن این مهمّ است که متون دینی و به طور ویژه سوره‌های مزّمّل و مدثّر هرچند به دنبال مفاهیمی خاصّ می‌باشند؛ ولی بر اساس مکتب فرمالیسم از زیبایی‌های ادبی تهی نیستند. این پژوهش به شیوه توصیفی – تحلیلی و با تکیه بر اصول و مبانی مکتب صورت گرایی، به بررسی فُرم و محتوای سوره‌های مزّمّل و مدثّر پرداخته و با هدف کشف مؤلّفه‌های فرمال وتبیین میزان انسجام و هماهنگی فُرم آیات و نقش آن در رساندن مضمون و تأثیر گذاری بر مخاطب در دو سوره نگاشته شده. ویژگی‌های بارز فرمالیستی در دو سوره قاعده افزایی، قاعده کاهی معنایی، بدیع معنوی هستند. نتایج نشان می‌دهد واج‌ها، هجاها، صامت و مصوت‌ها، کابردهای تشبیه، مجاز، کنایه، استعاره، توازن آوایی و واژگانی، دخالت دادن گونه‌های متفاوت آشنایی زدایی ادبی، در پیوند با هم، هارمونی و نظمی بسیار شگفتی را ایجاد کرده‌اند وبا فضای دو سوره که انذار مشرکان و بیان هولناکی صحنه‌های قیامت است همسو و هماهنگ است.

واژگان کلیدی: نقد ادبی، موسیقی، زیبایی‌شناسی، فرمالیسم

١. دانشجوی دکتری، زبان و ادبیّات عربی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
٢. دانشیار، گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

نویسنده مسئول: کاوه رحیمی **ایمیل:** rahimikaveh97@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۲ **تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۱**

مقدمه و بیان مسئله

بدون شکّ مکتب فرمالیسم (Formalism)، یکی از برجسته‌ترین حوزه‌های نقد ادبی قرن بیستم است. در بین سال‌های ۱۹۱۴ تا ۱۹۳۰ شکل گرفت و رشد کرد و فعالیّت‌های آن بیشتر جنبه زبان شناسی داشت. فرمالیسم در اصطلاح «رویکردی است که بر غلبه یافتن شکل و عناصر زیبایی شناسی در اثر می‌پردازد» (وهبه، ۱۹۸۴: ذیل ماده شکلیّه).

«فرمالیسم هم به شیوه‌ای اطلاق می‌شود که نظریه‌پردازان محفل زبان‌شناسی مسکو و انجمن پژوهش درباره زبان شعری (از جمله یاکوبسن (Jakobson) و شکلوفسکی (Shklovski) مبتکر آن بودند و هم به شیوه‌ای که گروهی از منتقدان آمریکایی در اواخر دهه ۳۰ مطرح و ترویج کردند» (پاینده، ۱۳۶۲: ۱۳۴). در پی اهمیَّت دادن منتقدان به وجوه ادبیَّت اثر و بی‌توجّهی به مسائل پیرامونی، شخصیَّت و شهرت مؤلف، موقعیت اجتماعی و اقتصادی جامعه وی اهمیّت خود را از دست داد و تنها به ماده ادبی و ادبیَّت متن توجّه شد و زیباشناسی ظاهر و صورت آن در دستور کار قرار گرفت (برکات والآخرون، ۲۰۰۵: ۱۹۱-۱۸۹).

از سوی دیگر، مهمّ‌ترین مسئله‌ای که فرمالیست‌ها در ایجاد زبان شعری بر آن اتفاق نظر و تأکید دارند، فرآیند «هنجار گریزی» یا همان آشنایی زدایی (defamilirization) است. آشنایی زدایی در اعتقاد آنان، بررسی تمامی فرآیندها و شگردها در یک اثر ادبی است که سبب برجسته شدن و تمایز آن از زبان عادی و روزمره شده و نوعی رستاخیز کلمات را در پی داشته و اصولی زیربنایی برای مکتب نقد فرمالیسم به شمار می‌آید. (صفوی، ۱۳۹۰، ج:۱، ۵۰) هنجار گریزی شامل دو مقوله قاعده افزایی و قاعده کاهی است.

هدف از تحلیل صورت‌گرا این است که مشخص کند اجزای فُرم یک اثر ادبی تا چه اندازه در آفرینش مضمون و برانگیختن مخاطب و در نهایت در پویایی و انسجام آن اثر تأثیرگذار است (احمدیان، ۱۳۹۵: ۱۸).

علت انتخاب سوره‌ی مزّمِّل و مدّثّر شباهت مضمونی و ارتباطات گوناگون بین دو سوره است که می‌توان به مواردی همچون: آغاز هر دو سوره با خطاب ندا، توجّه به بُعد فردی قیام و انذار، بیان حوادث مربوط به قیامت؛ ذکر وقایع پس از نفخ صور، بیان سرنوشت مکذّبان توانگر و عاقبت تکذیب کنندگان روز آخرت، ذکر مصادیقی از سختی‌ها و صفتی از روز قیامت، همانندی پایانی هر دو سوره با یادآوری علم بی‌پایان الهی و یاد آوری «استغفار» و... اشاره کرد.

مقاله پیش رو، به شیوه توصیفی – تحلیلی و با تکیه بر آراء و اصول نقد فرمالیستی در صدد بیان اعجاز قرآن و درک جنبه‌های زیباشناختی لفظ آن در جهت معنا است؛ لذا هدف از نگاشتن آن، به شیوه فرمالیستی، تبیین گوشه‌ای از تناسب صورت و مضمون در این دو سوره است.

پرسش‌های پژوهش

این نوشتار بر اساس نظریه فرمال‌ها درباره لفظ در انتقال معانی، سعی دارد به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. سوره‌های مزّمِّل و مدّثّر تا چه میزان از بعد فرمالیستی و ظاهری مورد بررسی است و این امر تا چه میزانی در انتقال مفاهیم اثر گذار است؟

۲. اشکال کاربرد و تجلّی اصول و مبانی نقد فرمالیستی در سوره‌های مزّمّل و مدّثّر کدام است؟

پیشینه پژوهش

درباره نقد فرمالیستی برخی از متون اسلامی و سوره مزّمّل و مدّثّر پژوهش‌هایی چند صورت گرفته است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف- مقاله «پیوند فرم و ساختار با محتوا در سوره مبارکه تکویر» از هومن ناظمیان، مجله علمی پژوهشی انجمن ایرانی زبان و ادبیّات عربی، شماره ۲۷، صص ۱۱۵-۹۷، تابستان ۱۳۹۲، نگارنده در این پژوهش به این نتیجه رسیده است که فرم نحوی، تناسب واژگانی و توازن آوایی عبارت‌ها در آیات سوره تکویر همگی در خدمت اهداف تربیتی این سوره قرار دارند.

ب- حسین ابویسانی و الیاس مخمی در مقاله‌ای با عنوان «نقش هنر سازه‌های بدیعی در تعجّب برانگیزی مخاطب در سوره‌های مکّی با تکیه بر نقد فرمالیسم روسی (مطالعه موردی: سوره‌های «بروج» و «غاشیه»)»، مجلّه علمی – پژوهشی انجمن ایرانی زبان و ادبیّات عربی، شماره ۳۶، صص ۷۴-۵۳، پاییز ۱۳۹۴، نگارندگان میزان مفید و غیر مفید بودن هنر سازه‌ها را در دو سوره مذکور را مورد بررسی قرار داده، و به بیان نقش این هنر سازه‌های بدیعی در تعجّب برانگیزی مخاطب، با تکیه بر مقولات چهارگانه (ادبیّت، فرم، جادوی مجاورت، ساختار ساختارها) پرداخته‌اند.

ج- عسگر بابا زاده اقدم و جواد کارخانه در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل فرمالیستی سوره مبارکه قمر»، فصلنامه مطالعات قرآنی، سال نهم، شماره ۳۴، صص ۴۹-۶۵، تابستان ۱۳۹۷، نویسندگان در این مقاله تلاش دارند صرفاً با تمرکز بر خود متن، زیبایی‌های اعجاب آمیز لفظی سخن الهی را به مخاطب عرضه کنند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که الفاظ و محتوا در قرآن کاملاً در تعامل دو طرفه و هماهنگ با هم بوده و الفاظ به کار رفته در آن محتوایی نو آفریده است.

د- پایان نامه بررسی معنا شناختی سوره‌ی مزّمّل و مدّثّر (صفری رودبار، ۱۳۹۵) با راهنمایی سیّد حسین سیّدی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد با رویکرد معناشناسانه به بررسی این دو سوره پرداخته و به همین جهت، واژه‌هایی از این دو سوره از جمله ایمان، ذکر و ... را بررسی کرده و با موضوع و محتوای این مقاله همپوشانی ندارد.

شایان ذکر است که براساس بررسی‌های انجام شده، تاکنون سوره مزّمّل و مدّثّر از زاویه نقد فرمالیستی ارزیابی نشده است.

اصول و مبانی نقد فرمالیستی

آشنایی زدایی

آشنایی زدایی که یکی از ارکان اصلی مکتب فرمالیست روس است، نخستین بار توسط شکلوفسکی، در ادبیّات مطرح گردید و منظور از آن شگردها و فنونی است که شاعر یا نویسنده از آن استفاده می‌کند تا متن ادبی خود را در چشم مخاطب بیگانه سازد؛ این نوع شگردها در همه آثار ادبی موجب تغییر شکل و

برجسته سازی زبان گشته و زبان معمول را ناآشنا جلوه می‌دهد(علوی مقدم، ۱۳۸۱: ۱۰۷). هدف بیان زیبایی شناسی در این حالت، نه روشن کردن فوری و مستقیم معانی، بلکه آفرینش حس تازه و نیرومندی است که خود آفریننده معانی تازه‌تری می‌شود (احمدی، ۱۳۷۰: ۴۸).

فرآیند برجسته سازی در زبان

برجسته شدن عناصر زبانی، موسیقایی و معنایی در پیدایش اثر ادبی، نقش کلیدی ایفا می‌کند. یکی از شگردهای برجسته سازی، قاعده افزایی است؛ یعنی افزون بر قواعد زبان عادی و هنجار؛ به عبارت دیگر، قاعده افزایی مجموعه شگردهایی است که از طریق فرایند تکرار کلامی حاصل می‌شود و نخستین بار از سوی رومن یاکوبسن مطرح شده است. (صفوی، ۱۳۸۳: ۴۰/۱۵۹) به اعتقاد رومن یاکوبسن، فرآیند قاعده افزایی چیزی نیست به جز توازن در وسیع‌ترین مفهوم که این توازن از طریق تکرار کلامی به دست می‌آید(همان، ۱۵۰).

قاعده افزایی

قاعده افزایی یا هنجار افزایی که در واقع «اعمال قواعدی اضافی بر قواعد زبان هنجار به شمار می‌رود» (صفوی، ۱۳۸۳: ۴۰/۱۵۹) و منجر به آفرینش نظم در کلام می‌گردد، از طریق تکرار کلامی پدید آمده و به توازن در کلام می‌انجامد. این توازن را نیز می‌توان در سه سطح توازن آوایی (phonological parallelism)، واژگانی و نحوی (syntactic parallelism) مورد واکاوی قرار داد؛ امّا نگارندگان در این نوشتار تنها به توازن آوایی و واژگانی پرداخته‌اند.

قاعده کاهی

قاعده کاهی (هنجار گریزی) یکی از شیوه‌های برجسته سازی است؛ این نوع برجسته سازی از طریق انحراف از قواعد زبان معیار و عدم هماهنگی با زبان متعارف شکل می‌گیرد. باید خاطر نشان کرد که «هنجار گریزی هرگونه انحراف از زبان معیار نیست؛ زیرا برخی از این انحرافات تنها به ساختی غیر دستوری منجر می‌شود و هیچ گونه زیبایی ندارد» (صفوی، ۱۳۸۳: ۵۱/۱). در واقع منتقدان، صنایع ادبی همچون تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه، تقدیم و تأخیر و التفات را از زیبایی‌های ادبی دانسته و در شمارِ «آشنایی زدایی» به حساب آورده‌اند و با این توضیح در بخش قاعده کاهی معنایی می‌گنجند (محمد ویس، ۲۰۰۲: ۱۶۰-۱۱۱).

بدیع معنوی

به غیر از موارد ذکر شده، شگردهایی که در بدیع معنوی می‌گنجد نیز مورد توجّه فرمالیسم می‌باشد؛ همچون «مراعات نظیر» و «طباق» که امروزه دو صنعت نو آیین و خلاق «پارادوکس» و «حس آمیزی» نیز در این حوزه طباق گنجانده می شود (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۸: ۳۰۸/۳۰۹) و بسیار مورد توجّه ناقدان معاصر است.

سیمای سوره مزّمّل و مدّثّر

سوره مزّمّل، به لحاظ ترتیب مصحف، سوره هفتاد و سوّم قرآن کریم، سوره‌ای مکّی و شامل بیست آیه، ۲۸۵ کلمه، ۸۳۸ حرف است. این سوره، از نخستین سوره‌هایی است که در اوّل بعثت نازل شده. حتّی برخی گفته‌اند: سوّمین سوره‌ای است که بر قلب مقدّس نبی اکرم نازل شده است. در وهله نخست، نگاهی به چکیده موضوعات سوره‌ی مزّمّل می‌افکنیم:

- مکلف شدن رسول خدا به اینکه نماز شب را به پا دارد، قرآن را با دقّت و تأمل بخواند.
- پیامبر در برابر حرف‌های بیهوده‌ای که دشمنان می‌زنند صبر کند، و اینکه تنها خداوند را به عنوان کارساز و یاور برگزیند.
- تهدید و انذاری به تکذیب کنندگان شده و وعده‌ی به عذاب آخرت،
- ذکر روز قیامت و توصیف صحنه‌های هولناک آن.
- موعظه تکذیب کنندگان به سرانجام قوم فرعون در نتیجه تکذیب فرستاده خدا،
- بیان تخفیف قائل شدن برای رسول خدا و مؤمنین در نماز شب. (ابن عاشور، ۱۹۸۴م، ج:۲۹: ۲۵۵)

سوره مدّثّر، از نظر ترتیب مصحف، سوره هفتاد و چهارم قرآن، سوره‌ای مکّی و شامل ۵۶ آیه، ۲۵۵ واژه، ۱۰۱۰ حرف است. گفته شده: دوّمین سوره‌ای است که بر پیامبر نازل شده. این سوره، دربرگیرنده مطالب زیر است:

- به رسول خدا دستور داده شده مردم را انذار کند، و این دستور را با لحنی و در سیاقی بیان کرده که از آن پیداست جزو دستورهای اوایل بعثت است.
- امر به صبر و شکیبایی پیامبر ،
- انذار مشرکان از هولناکی روز قیامت
- تهدید تکذیب کنندگانی که از قرآن رویگردان بوده و آن را سخن بشر پنداشته‌اند،
- توصیف جهنمّ و صحنه‌های هولناکش، بیان تعداد فرشتگان عذاب،
- توصیف سمت راستی‌هایی که در باغهای بهشت به سر می‌برند،
- بیان حال و وضع گناهکاران و علّت سرانجام بدشان از زبان خود آنان،
- تصویر کشیدن گمراهی منکران در دنیا در رویگردانی از قرآن و تشبیه شان به گورخران،
- معرّفی جایگاه والای قرآن در پند و اندرز دادن هرکسی که خدا بخواهد (ابن عاشور، ۱۹۸۴، ج:۲۹: ۲۹۳).

نقد فرمالیستی سوره‌های مزّمّل و مدّثّر

قاعده افزایی

در دو سوره دو گونه قاعده افزایی توازن آوایی و واژگانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در سطح توازن آوایی به بررسی تکرارهای آوایی واج‌ها و یا هجاها و صامت و مصوت‌ها پرداخته می‌شود. در سطح توازن واژگانی نیز بررسی تکرار یک واژه و حتی یک گروه واژه در جمله صورت می‌پذیرد.

توازن آوایی هجاها

نظام آوایی آیات قرآن کریم، از نخستین سطوحی است که مخاطب را مجذوب خود می‌نماید. این نظام با ساختار معانی پیوندی ناگسستنی دارد، به گونه‌ای که کوچک‌ترین تغییر در بُعد معنایی، ریتم و طنین موجود در آیات را تغییر می‌دهد.

منتقدان صورتگرا بر نقش و اهمیّت واژه در پیدایش ادبیّت متن، بسیار تأکید می‌کنند. هم‌نشینی واژه‌ها، نظام آوایی و معنایی آن‌هاست که متون زیبای ادبی را به وجود می‌آورد.(علوی مقدّم، ۱۳۷۷: ۷۳)

با بررسی نظام آوایی آیات سوره مزّمِّل و مدثّر می‌توان تناسب میان الفاظ و معانی را کشف نمود؛ از این رو در این قسم به بررسی ساختار هجایی برخی از آیات می‌پردازیم. برای سهولت در کار، هر یک از آنها را با علائم اختصاری که توضیح آن در زیر می‌آید، نشان داده شده:

هجای کوتاه: «ص ح» (صامت + حرکت کوتاه)

هجای متوسط باز: «ص ح ح» (صامت + حرکت بلند)

هجای متوسط بسته: «ص ح ص» (صامت + حرکت کوتاه+ صامت)

هجای بلند بسته: «ص ح ح ص» (صامت + حرکت بلند + صامت)

هجای بلند مزدوج بسته: «ص ح ص ص» (صامت + حرکت بلند + صامت + صامت) (شاهین، ۱۹۸۰: ص ۴۰):

آیه ۱) (یَا أَیُّهَا الْمُزَّمِّلُ): (یا أی یُ هَل مز زَمـ مِ لُ)

ص ح ح / ص ح ص / ص ح/ ص ح ص / ص ح ص/ ص ح ص / ص ح / ص ح.

تعداد هجاهای کوتاه ۳ تا و تعداد هجای متوسط بسته ۴ تا و متوسط باز ۱ مورد است.

آیه ۲) (قُمِ اللَّیْلَ إِلا قَلِیلا): (قُ مِل لی لَ إل لا قَ لی لا)

ص ح / ص ح ص / ص ح ص / ص ح/ ص ح ص / ص ح ح / ص ح/ ص ح ح / ص ح ح

تعداد هجاهای کوتاه ۳ تا و تعداد هجای متوسط بسته و باز هر کدام ۳ مورد است.

آیه ۱) (یَا أَیُّهَا الْمُدَّثِّرُ): (یا أی یُ هَل مُد دَث ثِ رُ)

ص ح ح / ص ح ص / ص ح / ص ح ص / ص ح ص / ص ح / ص ح/

تعداد هجاهای کوتاه ۳ تا و تعداد هجای متوسط بسته ۴ تا و متوسط باز ۱ مورد است.

آیه ۲) (قُمْ فَأَنْذِرْ): (قُم فَ أن ذِر) (ص ح ص / ص ح / ص ح ص / ص ح ص)

تعداد هجاهای کوتاه ۱ تا و تعداد هجای متوسط بسته ۳ مورد است.

این نظام هجی با توجّه به هر آیه و مفهوم آن متغیر به نظر می‌رسد. جدول شماره (۱) بسامد هجایی تمامی آیات شریفه دو سوره را نشان می‌دهد:

جدول .۱. بسامد هجایی در سوره مزّمّل و مدّثّر

نوع هجاها / نام سوره‌ها	کوتاه	متوسط باز	متوسط بسته	بلند بسته	بلند مزدوج
مزّمّل	۲۴۲	۱۱۷	۱۸۳	۳	*
مدّثّر	۳۴۲	۱۴۲	۲۰۷	۲	*

بررسی نظام هجایی آیات نشان می‌دهد، بسامد هجاهای کوتاه به شکل معناداری بیش‌تر ازسایر انواع هجاهاست که بیانگر ریتم تند و متحرّک موجود در فضای دو سوره است. کوتاهی هجاها در سرعت بخشی و تغییر صحنه‌ها مؤثّر به نظر می‌رسد؛ برای نمونه در آیه: (یَوْمَ تَرْجُفُ الأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَهِيلا) (المزّمّل:۱۴)، بسامد بالای هجای کوتاه (۱۱ مورد) نسبت به انواع دیگر (متوسط باز ۵ مورد وبسته ۷ مورد)، با سرعت دگرگونی عالم و جنبش و لرزش عناصر طبیعت در آغاز روز قیامت هم‌خوانی دارد؛ یا تکرار واج جیم که از حبس کامل هوا با سر زبان و نزدیک کردن جزء پیشین زبان به سطح کام که پست و بلند است پدید می‌آید (ابن سینا، ۱۳۹۸ق: ۲۴) لحن شدّت لرزش و کوبندگی آیه را دو چندان کرده است؛ ویا در این آیات: (فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ)، (فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ)،(عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ) (المدّثّر: ۱۰- ۸) بسامد بالای هجای کوتاه (۱۷ مورد) نسبت به انواع دیگر (متوسط باز بسته هر کدام ۸ مورد) با لحظه در صور دمیدن و هولناکی روز قیامت سازگاری دارد. همچنین در آیاتی که سرانجام تکذیب کنندگان و هول و هراس روز قیامت ترسیم می‌شود، بسامد هجاهای متوسط بسته و باز نسبت به هجاهای کوتاه بالا می‌رود تا عبرت گیری، حسرت آدمی و سختی لحظات وی به خوبی به تصویر در آید: (إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ ...)، (فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا...) (المزّمّل: ۱۵/۱۷)، تعداد هجای متوسط باز ۱۵ و بسته ۲۱ تا و هجای کوتاه ۱۵ مورد است.

توازن آوایی حروف

نغمه ناشی از تکرار حروف از دیگر عوامل زیبایی شناختی ساختار موسیقایی در آیات و اوّلین چیزی بود که توجّه اعراب را به خود جلب کرد. در آیات سوره مدّثّر و مزّمّل، کارکرد حروف را در القای دلالت‌های خاص شاهدیم. این حروف با بسامدهای گوناگون ضمن اثر موسیقایی خاص خود با معانی در ارتباط‌اند. جدول شماره (۲) و (۳) بسامد حروف در این دو سوره را نشان می‌دهد.

جدول ۲. بسامد حروف سوره مزّمّل

شماره	حروف	تکرار	شماره	حروف	تکرار	شماره	حروف	تکرار	شماره	حروف	تکرار
۱	الف	۳۳	۸	د	۱۱	۱۵	ض	۷	۲۲	ک	۲۴
۲	ب	۲۳	۹	ذ	۱۰	۱۶	ط	۵	۲۳	ل	۵۵
۳	ت	۳۲	۱۰	ر	۴۵	۱۷	ظ	۱	۲۴	م	۴۷
۴	ث	۶	۱۱	ز	۵	۱۸	ع	۱۸	۲۵	ن	۶۰
۵	ج	۱۰	۱۲	س	۲۰	۱۹	غ	۳	۲۶	و	۶۳
۶	ح	۴	۱۳	ش	۶	۲۰	ف	۲۲	۲۷	ـه	۲۶
۷	خ	۴	۱۴	ص	۸	۲۱	ق	۲۳	۲۸	ی	۴۸

چنان که در جدول بالا مشاهده می‌شود حروف جهر چون «لام» و «نون» نسبت به حروف همس چون «تاء»، «حاء»، «باء» و «کاف» حضور بیش‌تری در ساختمان واژگان دارند. این دو حرف که هر یک به ترتیب ۵۵ و ۶۰ مرتبه در سوره مزَّمِّل به کار رفته‌اند؛ پس از حرف مدّی «و» از بیش‌ترین بسامد برخوردارند. این نوع از حروف با صفت جهری خود در شدّت و تحکیم پیام‌ها جلوه خاص دارند و از آن‌جا که آیات معاد با نوعی از انذار و هول همراه است، این نوع از حروف بیش‌تر از حروف دیگر به کار رفته است. چنانچه سیِّد قطب بیان کرده: «نیمه اول سوره مزِّمِّل دارای آهنگ موسیقی یگانه‌ای است. این آهنگ، حرف لام مطلّقه ممدودی است. آهنگ خوشایند محترمانه بزرگواری است. سازگار با عظمت تکلیف و جدّیّت فرمان است. همآوا با هولها و هراسهای پیاپی و متوالی روند سوره است ... هولها و هراسهای تهدید و بیم وحشتناک و ترسناک است وهولها و هراسهای جایگاه همایش همگان، یعنی محشری است که از میان صحنه‌های جهان و از ژرفاهای درون آدمیان سر برمی‌زند و پدیدار و نمودار می‌آید». (سید قطب،۱۴۲۳هـ- ۲۰۰۳م، ج: ۶: ۳۷۴۳) خصوصیَّت آوایی حرف «قاف» با حالت انفجاری خود، با تصاویر و معانی دهشتناک و هول انگیز حوادث قیامت همسوست. تکرار حروف لین «الف»، «واو» و «یاء» با آوای طویل خود در این موضوع برجستگی خاصّی دارد.

جدول ۳. بسامد حروف سوره مدَّثّر

شماره	حروف	تکرار	شماره	حروف	تکرار	شماره	حروف	تکرار	شماره	حروف	تکرار
۱	الف	۶۷	۸	د	۲۷	۱۵	ض	۵	۲۲	ک	۴۲
۲	ب	۳۰	۹	ذ	۲۱	۱۶	ط	۳	۲۳	ل	۶۰
۳	ت	۴۲	۱۰	ر	۶۸	۱۷	ظ	۱	۲۴	م	۶۴
۴	ث	۹	۱۱	ز	۳	۱۸	ع	۱۳	۲۵	ن	۸۸
۵	ج	۶	۱۲	س	۲۲	۱۹	غ	۲	۲۶	و	۵۳
۶	ح	۶	۱۳	ش	۱۶	۲۰	ف	۲۹	۲۷	ـه	۳۲
۷	خ	۶	۱۴	ص	۸	۲۱	ق	۲۴	۲۸	ی	۵۴

در سوره مدثر آواهای مجهور چون «لام»، «نون» و «م» نسبت به حروف همس چون «تاء»، «حاء»، «باء» و «کاف» حضور پررنگ‌تری در ساختمان واژگان دارند و چون دارای شدَّت و آهنگ سختی‌اند معنا را آشکارتر جلوه می‌دهند و در گوش مخاطب تأثیر بسزایی دارند (أنیس، ۲۰۱۳: ۲۶). در کنار بسامد گسترده حروف مجهوره، تکرار صوت «تا» و «با» با خصوصیت مهموس شدت و سختی‌های صحنه‌های دوزخ و چهره‌ی تکذیب کننده را به زیبایی هر چه تمام‌تر به تصویر کشیده‌اند؛ به گونه‌ای با محتوای سوره که سیِّد قطب بدان اشاره نموده هماهنگ است: «دارای آیه‌های کوتاهی است. حرکت سریع و تندی دارد. فاصله‌ها و قافیه‌ها متنوع است. آهنگ سوره گاهی آرام و متنوّع پیش می‌رود، و گاهی نفس زنان و شتابان به جلو می‌تازد! به ویژه شتاب می‌گیرد هنگامی که صحنه آن تکذیب کننده‌ای را به تصویر می‌کشد که می‌اندیشد و می‌سنجد و روی ترش و اخم و تخم می‌نماید ... وصحنه دوزخی را به تصویر می‌کشد که نه می‌میراند و

نابود می‌کند و نه رها می‌سازد، و پوست تن را به کلّی سیاه و دگرگون می‌نماید ... و صحنه گریز ایشان را به تصویر می‌کشد که بسان گورخران رمنده‌ای که از شیر بگریزند، آنان هم می‌رمند و می‌گریزند!

این دگرگونی آهنگ و قافیه در صحنه‌ها و سایه روشنهای مختلف مزه ویژه‌ای بدین سوره داده است. به ویژه هنگام برگشت دادن برخی از قافیه‌ها وقتی که به پایان می‌آیند و دیگر باره به میان می‌آیند، همچون قافیه راء ساکنه: المُدَّثِّرُ، أنذِر، فَكَبِّر ... همچنین برگشت دادن آن پس از گذشت چندی: قَدِّر. یسر. إستكبر. سقر ... به همین سان انتقال از قافیه‌ای به قافیه دیگری در یک بند که ناگهانی صورت می‌گیرد، ولیکن به خاطر هدف خاصی که در میان است». (سید قطب،۱۴۲۳هـ- ۲۰۰۳م، ج: ۶: ۳۷۵۴)

همچنین از هم‌دوشی برخی از حروف با یکدیگر نغمهٔ خاصی شکل می‌گیرد؛ برای نمونه: گفتنی است که از تناسب حروف در این دو سوره مبارکه، آرایه بدیع جناس اشتقاقی حاصل آمده که نغمه و موسیقی درونی آیات را پُر رنگ‌تر جلوه می‌دهد؛ برای نمونه، تجانس میان «أرسلنا» و «رسولاً»، «نُقِرَ» و «النَّاقور»، از آن جمله است.

توازن واژگانی

در سطح آوایی دو سوره مبارکه، تکرار واژگان، عنصر سبکی برجسته سوره است. تکرار برخی از واژگان چون، کلمه «بشر» ۳ بار در سوره مدَّثِّر، افزون بر پر رنگ نمودن جلوه موسیقایی و نظم آهنگ سوره با سیاق کلّی سوره که بیانگر ارعاب و انذار است، هماهنگ می‌باشد. «بشر» در «لواحةٌ للبشر» به معنای «پوست است» که میان دو «بشر» به معنای انسان قرار گرفته است. در پاسخ سخن ولید بن مغیره که از روی کبر و نخوت حق را انکار کرد و قرآن را سحر و سخن بشر خواند، خداوند او را وعده سقری می‌دهد که بشره و پوست را سیاه می‌گرداند. خداوند می‌فرماید: آیاتی که نازل کرده است، سخن بشر نیست بلکه هشدار و مایه تذکر برای اوست. فاصله «بشر» میانی که به معنای پوست است با «بشر» نخست به معنای انسان چندان زیاد نیست که مانع از جناس به حساب آید، بلکه هر کدام در پایان مقطعی از آیات به هم پیوسته قرار دارد، ... (خرقانی، ۱۳۹۲: ۱۰۵) و در آیات: (إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ)، (فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّر)، (ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ) (المدثّر: ۱۸/۲۰) تکرار جمله مفیدبخش تأکید و مبالغه در زشت جلوه دادن تکذیب کننده است. برجستگی صوت «راء» که از جمله اصوات انفجاری و مهجوره است و در پردازش تصاویر مملو از خشونت و شدت، کاربرد بسیار دارد معنی فوق را تقویت می‌کند (بلقاسم، ۲۰۰۹م: ۲۳)؛ ویا تکرار عبارت. (..فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنه...) (مزمل: ۲۰) دو بار در سوره تکرار شده تا تأکید و تشویق نمودن در برپایی نماز شب در حدّ توان را مجسمّ سازد.

از دیگر موارد تکرار در دو سوره حضور پررنگ سجع و فاصله است. همگونی میان فواصل با نوعی تکرار به وجود می‌آید؛ البته تکراری ناقص و جزئی که در حروف پایانی آیات یا ساختار آوایی آن صورت می‌پذیرد. تکرار از نظر زبان شناسی عامل به وجود آورنده نظم، توازن و انسجام در متن است. سجع و فاصله نوعی تکرار شمرده می‌شود. برای نمونه آیات ذیل از سوره مدَّثِّر را یاد می‌کنیم که انواعی از تکرار در آن مشهود است؛ همانند تکرار حرف راء و مصوتِ فتحه در آیات: (وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ)، (إِنَّهَا لإِحْدَى الْكُبَرِ)، (نَذِيراً لِلْبَشَرِ)، (المدثّر: ۳۴/۳۶) با فضای آیات که بیم و هشدار است تناسب دارد؛ و یا سجع مرصّع در آیات: (إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالا وَجَحِيمًا)،(وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا)،(المزَّمِّل: ۱۲/۱۳) که با فضای حاکم بر سوره هماهنگ

است. تداعیِ معانی و برجسته سازی را از دیگر زیبا شناختی سجع می‌توان شمرد. کم و بیش همه آرایه‌های لفظی در بدیع حاصل تداعی ناشی از شباهت تام یا ناقص الفاظاند و قرینه‌های سجع پس از شباهتِ لفظی در ذهن نویسنده متداعی می‌شوند.(خرقانی، ۱۳۹۲: ۱۸۳).

قاعده کاهی معنایی

همانطور که پیش‌تر بدان اشاره شد، قاعده کاهیِ معنایی شامل انواع تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه، تقدیم و تأخیر است که دانشمندان بلاغت به درازا از آن سخن گفته‌اند و بعدها فرمالیست‌ها نیز در نقدهای خود از این نظرگاه متون را به بوته نقد و تحلیل کشیده‌اند. منتقدان جدید نیز در نوشته‌های خویش تمام آن‌ها در شمارِ «آشنایی زدایی» به شمار آورده‌اند(محمد ویس، ۲۰۰۲: ۱۶۰-۱۱۱). در ادامه ما نیز با توجّه به جایگاه ویژه قاعده کاهی معنایی و سازه‌های مرتبط با آن، برآنیم تا به صورت گزینشی چند نمونه‌ای از سوره‌های مزَّمِّل و مدثِّر را از این زاویه مورد بررسی قرار دهیم.

تشبیه

سوره مدثِّر تشبیه مرسل را در خود جای داده و با این فن، دیگر گونه سخن گفته شده و بر زیبایی آن افزوده است؛ خداوند متعال در آیه: (كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ)، (المدثّر:۵۰) رویگردانی کافران از قرآن را به گورخرانی رمنده تشبیه کرده است، صحنه گورخرانی که رمنده‌اند و به هر سو می‌گریزند. این صحنه، صحنه پر از حرکت تند و سریعی است. بسیار خنده آور است وقتی که انسان‌ها را بدان گورخران تشبیه کنند و همانند می‌سازند! باید چگونه صحنه‌ای و تا چه اندازه خنده آور باشد زمانی که مردمان به گونه‌ای بگریزند که از آدامیزادگان به گورخران تبدیل گردند، بدان خاطر که تذکّر دهنده‌ای ایشان را تذکّر می‌دهد و آنان را به یاد خدا و سرشتشان می‌اندازد (سید قطب،۱۴۲۳هـ- ۲۰۰۳م: ج:۶، ۳۷۶۲) . ذکر «مستنفرة» از باب استفعال برای مبالغه در رمندگی و چموشی است.

مجاز

از دیگر جلوه‌های زیبایی شناختی در دو سوره حضور مجاز است؛ مانند آیه: (قُمِ اللَّيْلَ إِلا قَلِيلا) که «القیام» مجاز مرسل با علاقه جزئیه که لفظ جزء ذکر گردیده و مراد از آن کل اراده شده و منظور نماز شب است؛ و نیز در آیه: (أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَى مِنْ ثُلُثَيِ اللَّيْلِ) مجاز مرسل از قبیل اطلاق ملزوم بر لازم است (صافی، ۱۴۱۶هـ - ۱۹۹۵م، ج:۱۵: ۱۳۲/۱۴۵).و یا در آیه (وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ) (المدثّر: ۴) از بیان مجازی بهره گرفته شده تا به صورت رمزی به مفهوم مورد نظر که تزکیه نفس است جلوه‌ای خاص بخشد و پیامبر را آماده انذار مشرکان کند (ابن عاشور، ۱۹۸۴م، ج: ۲۹: ۲۹۷).

استعاره

یکی از بارزترین شیوه‌های آشنایی زدایی در دو سوره، کاربرد انواع استعاره است که با استفاده از روش حسّی، کاملاً به قصد ایجاد احساس مستقیم در مخاطبان به کار رفته است. مثلاً در آیه ۷ سوره مزَّمِّل پیامبر را مورد خطاب قرار می‌دهد: (إِنَّ لَكَ فِي اَلنَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلا) (المزَّمِّل: ۷) همانگونه که می‌دانیم

«سبحاً» به معنی شنا کردن، گذشتن با شتاب در آب و هوا ست، با سرعت و شتاب رفتن در کار و حسّی است (ابن منظور، بی تا، ج:۲، ۴۷۰) حال آنکه در این آیه استعاره مصرحه اصلیه برای اشتغال به امور زندگی و حرکت در راه انجام کار تبلیغ و مأموریّت سنگین پیغمبری است. ودر آیه ۱۷ سوره مدّثّر تکذیب کننده (ولید بن مغیره) مورد خطاب قرار داده شده: (سَأُرْهِقُهُ صَعُوداً) (المدثّر: ۱۷) واژه «صعوداً» به معنی به جای بلند رفتن و در این آیه به معنی مشقت، درد و رنج عذاب (ابن منظور، بی تا، ج:۳، ۲۵۱) و استعاره مصرحه اصلیه است برای هر نوع مشقت و سختی.

کنایه

از دیگر موارد آشنایی زدایی در دو سوره مبارکه بهره مندی از دیگر صنعت بیانی یعنی کنایه است. مقصود کنایه در لغت، پوشیده سخن گفتن، پرده برانداختن بر آن و عدم تصریح است امّا در علم بیان عبارت است از«لفظی که از آن، لازم معنایش، اراده شده است و اراده معنای اصلی نیز همراه اراده معنای لازم آن، جایز است» (حسن عرفان، ۱۳۸۹: ج:۳: ۴۰۲) و فرق اصلی کنایه و استعاره نیز در همین است که در استعاره قرینه صارفه وجود دارد تا ذهن را از معنای حقیقی دور کند و به معنای مجازی رساند ولی در کنایه چنین قرینه‌ای وجود ندارد. یکی از انواع تعابیر کنایی را در این آیه مبارک شاهدیم: (فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا) (المزّمِّل: ۱۷) کنایه از شدت هولناکی و سختی روز قیامت است که کودکان را پیر می‌سازد و تا اینکه منکران را به حقیقیت معاد آگاه کند و با فرم و محتوای آیه که بیم و انذار است تناسب دارد. (الصافی، ۱۴۱۶هـ - ۱۹۹۵م، ج:۱۵: ۱۴۱)

استفهام

این ساختار ۳ مورد در سوره مدثّر و۱ مورد در سوره مزمِّل به کار رفته است که در دو نمونه آن غرض، پرسش حقیقی نبوده و بر معانی مجازی دلالت دارند؛ برای نمونه در آیه شریفه: (وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرُ) (المدثّر:۲۷) مراد از استفهام تهویل (ترساندن) و تفخیم است. همچنین در این آیه پرسش از مشرکانی است که از ذکر و یاد خداوند رویگردانند و می‌گوید: (فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكِرَةِ مُعْرِضِينَ) (المدثر: ۴۹) در این ساختار، لفظ «ما» شدّت توبیخ و سرزنش را تجسّم می‌سازد.

تقدیم و تأخیر

در متن قرآن به عنوان یک متن ادبی والا، جایگاه واژه از اهمیَّت خاصی برخوردار است ودلالت معنایی خاصی در ورای آن است. از نمونه‌های بارز تقدیم این آیه است: (وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ) (المدثّر: ۳) در این آیه برای افاده مفهوم اختصاص و حصر، مفعول «ربَّکَ» بر فعل «فَکبِّر» مقدم گشته تا معنای عظمت و کبریایی یادن کردن پروردگار به زیبایی ترسیم گردد. (ابن عاشور، ۱۹۸۴م، ج:۲۹: ۲۹۵) و یا نمونه تأخیر در این آیات: (قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ) (۴۳) (وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ) (۴۴) (وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ) (۴۵) (كُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ) (المدثّر: ۴۳/۴۶) در این صحنه که از گناهکاران علّت به دوزخ افتادنشان پرسیده می‌شود تکذیب و انکار روز جزا توسط بزهکاران مؤخر آورده شده تا تعظیم و بزرگداشت انکارشان به خوبی تجسمّ یابد (زمخشری، ۱۴۳۰هـ - ۲۰۰۹م، ۱۱۵۹) و در آیه: (وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ) (المزّمِّل: ۷) مقدّم شدن

مبتدا افاده اختصاص و حصر می‌کند و معنی تعیین و اندازه گیری شب و روز را تنها در دست خداوند می‌داند به زیبایی ترسیم گردیده (*همان*: ۱۱۵۳).

عدول از مضارع به ماضی

این شیوه از عدول، بیش‌تر در آیاتی که در آن‌ها سخن از قیامت و مسائل مربوط به آن است رخ می‌دهد. استعمال فعل ماضی به جای فعل مضارع، نکته‌ای بلاغی و زیبایی شناختی دارد تا واقعه‌ای را که هنوز رخ نداده است، به منزله یک پدیده و عمل انجام یافته جلوه‌گر سازد و این معنای قطعیّت آن پدیده را می‌رساند. مانند آیه ۱۴ سوره مزّمّل: (یَوْمَ تَرْجُفُ الأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَهِيلا) (المزّمّل:۱۴) در این آیه فعل «کانت» ماضی، برای روزی که کوهها سخت به لرزش و جنبش در می‌آیند و به توده‌های پراکنده و تپّه‌های ریگ روان تبدیل می‌گردد و هنوز رخ نداده، به کار رفته است و برحتمیّت وقوعش دلالت دارد که نشان از تلائم دقیق فرم و محتوای آیه است.

بدیع معنوی

سوره‌های مدّثّر و مزّمّل گونه‌های مختلفی از بدیع معنوی را در خود جای داده‌اند که یکی از آن‌ها طباق است و حضور آن از بسامد بالایی برخوردار است و سبب دوچندان شدان انسجام متن شده و هارمونیِ زیبایی را موجب گشته است؛ البته نقش این آرایه بدیعی در انبساط خاطر، روشنگری، تأکید، ملموس ساختن و تجسم بخشیدن عواطف و مفاهیم به ذهن، کارکرد مهمّی دارد. (وحیدیان کامیار، ۱۳۹۰: ۶۳-۶۲) تقابل واژگان: «أوِ انْقُصْ مِنْهُ، أَوْ زِدْ عَلَيْهِ»، «الْمَشْرِقِ، وَالْمَغْرِبِ»، «اللَّيْلَ، وَالنَّهَارَ» در سوره مزّمّل و واژگان «عَسِيرٌ، يَسِيرٍ»، «كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ»، «أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ» در سوره مدّثّر، هر یک به نوعی در ایفای این مهمّ تأثیر گذار بوده و به روشنی معنا کمک می‌نمایند. جالب آن که انتخاب این واژگان ضمن ایجاد این تقابل معنایی، در بُعد تناسب آوایی و لفظی نیز مؤثّرند و با فضای کلّی و سیاق آیات نیز همسازی دارند؛ برای نمونه، تقابل واژگان «عسیر» با «یسیر» با فواصل آیات پیشین تناسب آوایی ایجاد کرده و با فضای سوره که بیم و هشدار مشرکان و هولناکی صحنه‌های قیامت است همسو و هماهنگ است؛ افزون بر این تکرار واج «سین» بر حالت «همس خفی» (نجوای پنهان) دلالت دارد که اهل جرم و حیله با آن آرام صحبت می‌کنند در ترسیم هولناکی روز قیامت و وضعیت کافران نقش بسزایی دارد.

نتیجه‌گیری

محور اصلی نقد فرمالیستی در بررسی متون ادبی، شکل ظاهری است؛ یعنی در ادبیّات به بررسی میزان ادبیّت متن می‌پردازد. با نگاهی صورت گرایانه به دو سوره مزّمّل و مدّثّر، متوجّه می‌شویم توازن آوایی و واژگانی در جهت القای معانی به کار گرفته شده و ضمن اینکه از سطح معنای قاموسی واژگان فراتر رفته است. بررسی بسامد هجاها حکایت از آن داشت که هجای کوتاه به شکل پر رنگ‌تری از دیگر انواع هجاها در دو سوره حضور داشته که در تحرّک ریتم تند، سرعت بخشی و تغییر صحنه‌ها نقش آفرین است. توازن آوایی حروف نیز نشان از این دارد که حروف «ل»، «م»، «ن» با صفت جهری به شکل قابل چشمگیری

حضور داشته و این در شدّت و تحکیم پیام‌های آیات دو سوره که با نوعی از انذار و هول همراه است، همخوانی دارد و نشان از پیوند دقیق فرم و محتوای آیات است. تواز آوایی واژگان و تکرار سجع و فواصل به عنوان عنصر زیبایی بخش و هنر آفرین، عامل به وجود آورنده نظم، توازن و انسجام در متن دو سوره‌اند. جدای از این گونه قاعده افزایی، برخی گونه‌های قاعده کاهی نیز مثل تضاد از بسامد چشمگیری برخوردار بوده که از نشانه‌های آشنایی زدایی در متن به شمار رفته و بافت اثر را برجسته ساخته و سبب دو چندان شدن انسجام متن و هارمونی زیبایی را موجب گشته و با فضای آیات که بیم و هشدار مشرکان و هولناکی صحنه‌های قیامت است همسو و هماهنگ است. در دو سوره شاهد زیبایی شناختی متن به گونه‌های متنوع قاعده کاهی معنایی مثل تشبیه، مجاز، استعاره، کنایه، تقدیم و تأخیر، استفهام، عدول از مضارع به ماضی با هدف تعظیم، تفخیم، تهویل، توبیخ و ســـرزنش، اختصاص و حصـــر هستیم.

منابع

کتاب‌های عربی

قرآن کریم.

ابن عاشور، محمد بن طاهر، (۱۹۸۴م). **تفسیر التَّحریر والتَّنویر**. ج: ۲۹، تونس: الدَّار التونسیة للنشر.

ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین (بی تا). «**لسان العرب**». بیروت: دار صادر.

أنیس، ابراهیم (۱۹۶۳م). دلالة الألفاظ، مصر: مکتبة الأنجلو المصریة.

ابن سینا، حسین بن عبد الله (۱۳۹۸ق)، اسباب حدوث الحروف. قاهره: مکتبة الکلیات الأزهریة.

بلقاسم، دفة، (۲۰۰۹م). نماذج من الإعجاز الصوتی فی القرآن الکریم: دراسة دلالیة. سبکرة الجزایر، جامعة محمد خیضر.

برکات، وائل والآخرون، (۲۰۰۵)، اتجاهات نقدیة حدیثة ومعاصره، سوریا: جامعة دمشق.

الزمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۳۰هـ - ۲۰۰۹م)، **تفسیر الکشَّاف**، ط:الثالثة، بیروت: دار المعرفة.

صافی، محمود عبد الرحیم، (۱۴۱۶هـ - ۱۹۹۵م). **الجدول فی إعراب القرآن وصرفه وبیانه مع فوائد نحویَّة هامَّة**. ج:۱۵، ط: الثالثة، دمشق: دار الرشید.

محمد ویس، احمد (۲۰۰۲). الانزیاح فی التراث النقدی والبلاغی. سوریا: اتحاد الکتاب العرب.

وهبه، مجدی والمهندس. الکامل. (۱۹۷۴). معجم المصطلحات العربیة فی اللغة والآداب، ط:الثانیة، مکتبة لبنان.

کتاب‌های فارسی

احمدی، بابک، (۱۳۷۰)، **ساختار و تأویل متن**، تهران: نشر مرکز.

پاینده، حسین (۱۳۶۲)، **تبلور مضمون شعر در شکل آن**، کلک: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۱۲-۱۱.

حسن عرفان، (۱۳۸۹)، **کرانه‌ها: شرح فارسی کتاب مختصر المعانی**، ج:۱، قم: مؤسسه انتشارات هجرت.

خرقانی، حسن، (۱۳۹۲). **زیبا شناسی قرآن از نگاه بدیع**. چ: اول، مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

سیّد قطب، (۱۴۲۳هـ- ۲۰۰۳م)، **فی ظلال القرآن**، ترجمة: مصطفی خرمدل، المجلَّد: السادس، الطَّبعة: الثَّانیة والثَّلاثون، القاهرة: دار الشروق.

شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۸۸). موسیقی شعر. تهران، انتشارات آگه.

صفوی، کورش، (۱۳۸۳)، **از زبان شناسی به ادبیَّات**: نظم، جلد، اول، چاپ، اول تهران: سوره مهر.

علوی مقدم، مهیار، (۱۳۷۷)، **نظریه‌های نقد ادبی معاصر**، چ: اوّل، تهران: سمت.

وحیدیان کامیار، تقی، (۱۳۹۰)، **بدیع از دیدگاه زیبایی شناسی**، تهران: سمت.

COPYRIGHTS

© 2023 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)

ارجاع: ابویسانی حسین، رحیمی کاوه، بررسی زیبایی شناسی سوره‌های «مزَّمِّل» و «مدَّثِّر» در پرتو نقد فرمالیستی، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۴، شماره ۵۳، بهار ۱۴۰۲، صفحات ۸۸-۷۳.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی